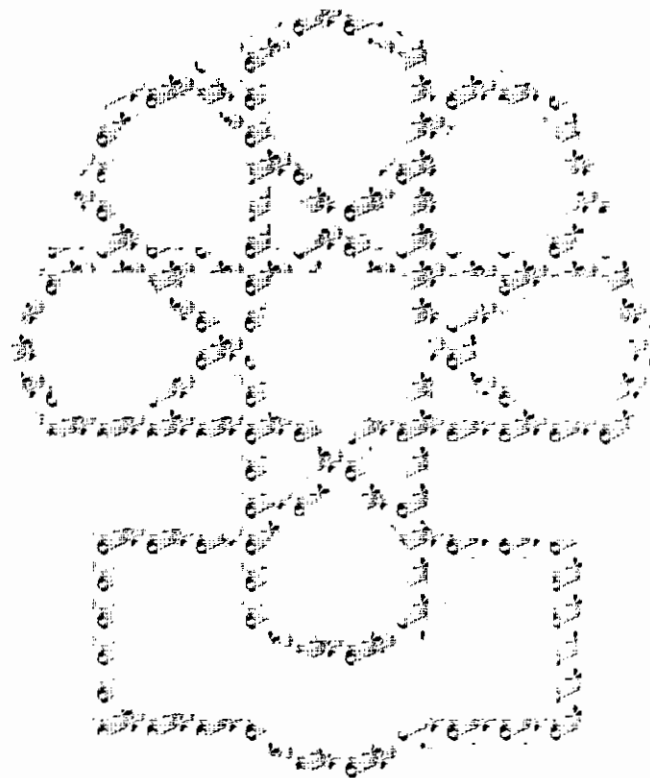


۳۴۰۶



# مالزی؛ اقتصاد گذشته و چشم انداز آینده



معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۷

کار: دفتر مضامعات سیاسی - اجتماعی

این مطالعه حسب درخواست جناب آقای دکتر رضوی

نماینده محترم مردم کرمان انجام شده است.

کد گزارش: ۴۱۰۳۴۰۶

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
 کتابخانه واحد  
 شماره: ۸۹۲  
 تاریخ: ۵۵/۵/۳۸

بسمه تعالی

مالزی: اقتصاد گذشته و چشم‌انداز آینده

کد گزارش: ۴۱۰۳۴۰۶

### فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۲	فصل اول - موقعیت جغرافیایی، انسانی، مذهبی، فرهنگی و آموزشی مالزی.....
۶	فصل دوم - تشکیلات حکومتی مالزی.....
۷	فصل سوم - اقتصاد مالزی.....
۷	الف - تحولات اقتصادی مالزی در سال ۱۹۹۶ میلادی.....
۹	ب - تحولات اقتصادی مالزی در سال ۱۹۹۷ میلادی.....
۱۰	ج - برنامه توسعه صنعتی مالزی تا سال ۲۰۰۵ میلادی.....
۱۲	د - سیاست‌های آینده مالزی.....
۱۳	ه - مقایسه تطبیقی شاخص‌های اقتصادی از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ میلادی.....
۱۳	فصل چهارم - بررسی بحران اقتصادی و مالی آسیای جنوب شرقی.....
۱۴	الف - عوامل بحران.....
۱۸	ب - آینده بحران.....
۱۹	ج - تبعات بحران.....
۱۹	د - مالزی و بحران مالی.....
۲۰	فصل پنجم - روابط جمهوری اسلامی ایران با مالزی.....
۲۱	پیشنهادها.....
۲۲	منابع و مأخذ.....

مالزی از جمله کشورهای موفق مسلمان در جنوب شرقی آسیا می باشد که توانسته است با عزم ملی به جرگه کشورهای تازه صنعتی برسد که تا قبل از بحران مالی دامنگیر این منطقه، از رشد صنعتی به نسبت بالایی برخوردار بود. این کشور با اهدافی از جمله موارد زیر توانسته است یکی از موفق ترین برنامه های توسعه را به مرحله اجرا بگذارد:

- ۱- استفاده جامع از تکنولوژی؛
- ۲- مناسب نمودن تکنولوژی جذب شده از طریق ایجاد تکنولوژی بومی؛
- ۳- تقویت تحقیق و توسعه؛
- ۴- به کارگیری روش های طراحی و ارتقای کیفیت؛
- ۵- ورود به بازار جهانی.

در این راه مجریان برنامه توسعه مالزی نقش کلیدی خود را در ایجاد باور، عزم و روحیه همکاری ملی و ایجاد آگاهی عمومی به خوبی ایفا نموده اند. مالزی به جهت مسلمان بودن و با برخورداری از توان بالفعل اقتصادی و صنعتی می تواند شریک مؤثری برای مرتفع نمودن پاره ای از نیازهای اقتصادی کشورمان تلقی گردد. همچنین این کشور می تواند بازار خوبی برای برخی از محصولات ما باشد. از طرفی عضویت مالزی در «آ.سه.آن»، سازمان کنفرانس اسلامی- که ایران نیز ریاست آن را برعهده دارد- و همچنین با توجه به عضویت ایران در اگو، می توان از طریق بسط روابط دو کشور، زمینه فعالیت های اقتصادی و تجاری ایران را با کشورهای عضو «آ.سه. آن» فراهم نمود و مضافاً بستر ایجاد تفاهم و همکاری بین دو سازمان مهم منطقه ای (آ.سه. آن و اگو) را هموار ساخت. برای رسیدن به این مهم، یکی از بهترین راه های ممکن، تعمیق و توسعه روابط پارلمانی بین دو کشور است. شناخت ظرفیت های موجود یکدیگر می تواند برای اهداف مذکور راه گشا باشد و توسعه اقتصادی نیز زمینه ای باشد تا وحدت نظر دو کشور را در پاره ای از مسائل منطقه ای و بین المللی تحقق بخشد.

ذیلاً پس از نگاهی سریع به موقعیت جغرافیایی- انسانی و سیاسی مالزی، دوره های مختلف برنامه ریزی اقتصادی در آن کشور را یعنی دوره های راهبرد صنعتی سازی صادرات محور، تولید بیشتر، بهتر و رویکرد خوشه ای توسعه و اقتصاد مبتنی بر افزایش بهره وری را مورد بررسی قرار خواهیم داد و ضمن بررسی جامع اقتصاد مالزی در سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ میلادی و ضمن مرور برنامه های اول (۱۹۸۶-۱۹۹۵) و دوم (۱۹۹۶-۲۰۰۵) سیاست های آینده مالزی، برنامه سال ۲۰۲۰ و بحران مالی مالزی همراه با ذکر دلایل و تبعات آن مطمح نظر واقع خواهد شد.

اشاره ای به روابط ایران و مالزی و پیشنهادهایی چند برای توسعه روابط حسنه فیما بین بخش نهایی گزارش حاضر را تشکیل می دهند.

## فصل اول- موقعیت جغرافیایی، انسانی، مذهبی، فرهنگی و آموزشی مالزی

کشور مالزی در جنوب شرقی آسیا واقع شده است که از دو بخش غربی و شرقی تشکیل شده است. مساحت

کل این کشور ۳۳۰۴۳۴ کیلومتر مربع می باشد. جمعیت مالزی براساس آمار سال ۱۹۹۶ حدود ۲۱ میلیون نفر بود. موقعیت این کشور به عنوان یک گذرگاه اصلی و مهم در آب های جنوب شرقی آسیا باعث شده است تا اقوام و نژادهای مختلفی از جمله چینی، مالایی، هندی و پاکستانی از نقاط دیگر آسیا به مالزی مهاجرت کنند. زبان رسمی مالزی مالایو یا «یاهاسا مالیزیا» است که در سیستم آموزشی و کلیه مکاتبات از آن استفاده می شود.

#### ویژگی های اجتماعی، جمعیتی\*

جمعیت	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۲۵
کل جمعیت	۱۷,۸۹۱,۰۰۰	۲۰,۱۴۰,۰۰۰	۳۱,۵۷۷,۰۰۰
افراد بالغ (بالای ۱۵ سال)	۱۱,۰۶۹,۰۰۰	۱۲,۴۹۶,۰۰۰	۲۴,۰۹۱,۰۰۰
در صد شهر نشینی	۴۹/۸	۵۳/۷	۷۲/۷
در صد روستا نشینی	۵۰/۴	۴۶/۳	۲۷/۳

\* متأسفانه اطلاعات سایر پایگاه های کامپیوتری بین المللی، حاوی اطلاعات به زبان محلی مالزی بود و استفاده از آنها در خلال گزارش حاضر میسر نشد.

World Report. Regional Status of Countries, West Asia- Pacific. [http:// www. cdc. gov.](http://www.cdc.gov/)  
July 1998.

مالزی در منطقه حاصلخیز آسیای جنوب شرقی با معادن سرشار زمینی و زیرزمینی خود از دیرباز مورد توجه قدرت های سیاسی و اقتصادی بوده است. علاوه بر وجود منابع و ذخایر فراوان، این کشور بر سر راه های تجاری دریای مهمی از جمله تنگه «مالاکا» قرار دارد که اقیانوس هند و آرام راه هم متصل می نماید. به خصوص مناطق آسیای غربی و خاورمیانه از این طریق قادر به تماس با شرق آسیا، ژاپن و ساحل غربی قاره امریکایی می باشند. همچنین مجاورت مالزی با کشورهای هند و چین بر اهمیت استراتژیک این کشور می افزاید. مالزی به دلیل دارا بودن منابع طبیعی فراوان از تولیدکنندگان مهم مواد اولیه مثل قلع، کائوچو و نفت در منطقه آسیای جنوب شرقی می باشد و به دلیل قرار گرفتن بر سر راه های دریایی و نیز موقعیت خاص جغرافیایی، این کشور - به ناچار - به دنبال یافتن توان دفاعی کافی برای حفظ امنیت ملی و تمامیت ارضی است. وجود اختلافات مرزی با اندونزی و فیلیپین و مهاجرت های غیرقانونی کارگران اندونزیایی به مالزی و نیز بحرانی بودن بالقوه منطقه مرزی مالزی و تایلند (که غالباً صحنه فعالیت های چریک های کمونیست و جدایی طلبان مسلمان تایلند است) باعث می شود که این کشور در یک رقابت منطقه ای با همسایگان خود، همواره در صدد به دست آوردن قدرت کافی برای حفظ منافع ملی خود باشد تا خطرات ناشی از تهدیدهای بالقوه علیه خود را به حداقل برساند.

دین رسمی مالزی اسلام است و اکثریت مردم این کشور پیرو آن می باشند. علاوه بر اسلام ادیان و آیین های دیگری نیز در این کشور از پیروانی برخوردار است مانند: مسیحیت، بودا، هندو، آیین کنفوسیوس، تائوئیسم، آنیمیسم و سیک.

براساس قانون اساسی مالزی افراد در انتخاب دین و انجام مراسم دینی آزاد هستند و حتی پیروان سایر ادیان اجازه تبلیغ اعتقادات مذهبی خود را دارند. البته تبلیغ سایر ادیان در میان مسلمانان مجاز نیست. پادشاه

و نخست‌وزیر و حاکمان ایالات مالزی باید مسلمان باشند ولی اعضای کابینه می‌توانند از میان پیروان سایر ادیان نیز انتخاب شوند. در عین حال حاکمان ایالات در مناطق خود حکم رهبر مذهبی را دارند و پادشاه هر ایالت پیشوای دین اسلام در ایالات خود نیز محسوب می‌شود. حکومت مالزی خواهان ایجاد هماهنگی در امور مذهبی جامعه و اعمال کنترل بر فعالیت‌های پیروان مذاهب مختلف برای رسیدن به جامعه‌ای متعادل و باثبات است. برای این منظور سازمان‌ها و نهادهای رسمی خاصی نظیر «شورای ملی امور اسلامی» و «کمیته فتوا» ایجاد شده‌اند که وظیفه اصلی آنها کنترل فعالیت‌ها و امور اسلامی و هماهنگ کردن آنها با هدف‌های حکومت می‌باشد. اموری همچون نظارت بر مدارس مذهبی غیردولتی و مواد آموزشی آنها، نظارت بر کتاب‌های مذهبی، ارائه آموزش‌های مذهبی در سطوح مختلف و صدور فتوا در زمینه مسائل مختلف، همه در حیطه وظایف بخش امور مذهبی حکومت مالزی است.

حضور همزمان سه جریان فرهنگی عمده در مالزی (فرهنگ مالایو، فرهنگ چینی و فرهنگ هندی) بافت فرهنگی متنوعی را در این کشور به وجود می‌آورد که خالی از مخاطرات بالقوه سیاسی و اجتماعی نیست. هر یک از سه جریان فرهنگی در مالزی، هنوز هویت اصلی خویش را حفظ کرده‌اند ولی همزیستی آنها و تأثیر متقابل در یکدیگر باعث پیدایش تغییراتی در برخی مظاهر هر یک شده است. به نحوی که بعضاً به صورت پدیده‌هایی بین فرهنگی و تعدیل یافته نمودار می‌شود.

مهم‌ترین مراکز دانشگاهی، تحقیقاتی، آموزشی و نیز کتابخانه‌های مالزی به شرح ذیل می‌باشد:

#### الف - دانشگاه‌ها

- ۱- دانشگاه بین‌المللی اسلامی؛
- ۲- دانشگاه ملی مالزی؛
- ۳- دانشگاه مالایا؛
- ۴- دانشگاه کشاورزی مالزی؛
- ۵- دانشگاه علوم مالزی؛
- ۶- دانشگاه تکنولوژی مالزی؛
- ۷- دانشگاه شمالی مالزی؛
- ۸- کالج تعاونی مالزی؛
- ۹- انستیتو «باهاسا»؛
- ۱۰- انستیتو تکنولوژی «مارا»؛
- ۱۱- کالج عبدالرحمان؛
- ۱۲- پلی تکنیک «اونگ کو»؛
- ۱۳- انستیتو مدیریت مالزی.

#### ب - انجمن‌های آموزشی

- ۱- انستیتو آرشیکت مالزی؛
- ۲- انجمن کتابخانه‌های مالزی؛
- ۳- انجمن اقتصاد مالزی؛
- ۴- انجمن مالزیایی تاریخ؛

۵- آلیانس فرانسه؛

۶- بنیاد آسیا؛

۷- شورای بریتانیا؛

۸- آژانس ملی زبان؛

۹- انستیتو گوته؛

۱۰- انجمن زبان تامیل؛

۱۱- انجمن پزشکی؛

۱۲- انجمن علوم طبیعی؛

۱۳- انجمن بیوشیمی؛

۱۴- انجمن علوم؛

۱۵- انجمن جانورشناسی.

#### ج- مؤسسات تحقیقاتی

۱- مرکز توسعه آسیا- پاسیفیک؛

۲- دپارتمان کشاورزی؛

۳- انستیتو مالزیایی تحقیقات امور جنگل داری؛

۴- ایستگاه تحقیقاتی امور ماهی گیری؛

۵- مرکز تحقیقات زمین شناسی؛

۶- انستیتو تحقیقات پزشکی؛

۷- انستیتو توسعه و تحقیقات کشاورزی؛

۸- انستیتو تحقیقات میکروالکترونیک؛

۹- دفتر تحقیقات و توسعه کانوچو؛

۱۰- انستیتو تحقیقات صنعتی و استانداردها.

#### د- کتابخانه‌ها

۱- کتابخانه شورای بریتانیا؛

۲- کتابخانه عمومی کوالالمپور؛

۳- کتابخانه عمومی دولتی «کده»؛

۴- کتابخانه عمومی «کلانتان»؛

۵- کتابخانه عمومی «مالاکا»؛

۶- آرشیو ملی اسناد مالزیای؛

۷- کتابخانه ملی؛

۸- کتابخانه عمومی «پنانگ»؛

۹- کتابخانه دولتی صباح؛

۱۰- کتابخانه دولتی «ساراواک»؛

۱۱- کتابخانه عبدالرزاق؛

## فصل دوم- تشکیلات حکومتی مالزی

حکومت فدراسیون مالزی پادشاهی مشروطه انتخابی است. پادشاه مالزی توسط شورایی متشکل از رؤسای ۱۹ ایالت از ایالات سیزده گانه برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌گردد. پادشاه رئیس کشور است و طبق قانون اساسی نخست وزیر را با تصویب مجلس منصوب می‌نماید. انتصاب قضات دادگاه فدرال و دادگاه‌های عالی به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب پادشاه صورت می‌گیرد. فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز با وی است. وی حق اعطای عناوین افتخاری را داشته و سفرای خارجی را می‌پذیرد و از حق عفو و بخشش نیز برخوردار است. همچنین پادشاه حق انحلال مجلس را حتی بدون پیشنهاد نخست‌وزیر دارد. نخست وزیر نیز رئیس دولت بوده و مسئول امور کلی مملکت اعم از امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره می‌باشد. نخست‌وزیر باید عضو مجلس و از بین اعضای اکثریت در قوه مقننه انتخاب شود و تمام وزرای کابینه خود را از بین اعضای پارلمان (نمایندگان و سنا) انتخاب نماید. طبق قانون اساسی، مالزی دارای دو مجلس قانون گذاری (نمایندگان و سنا) می‌باشد. مجلس بالاترین مرجع قانون گذاری بوده و اعضای آن برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌گردند. رئیس مجلس نمایندگان از میان اعضای مجلس یا غیر عضو مجلس در ابتدای هر دوره انتخاب می‌شود. مجلس نمایندگان دارای پنج کمیته می‌باشد:

۱- کمیته انتخاب؛

۲- کمیته مقررات مجلس؛

۳- کمیته مجلس؛

۴- کمیته امتیازات؛

۵- کمیته حسابرسی عمومی.

در مجلس سنا نیز به استثنای کمیته حسابرسی، چنین کمیته‌هایی وجود دارد. مجلس نمایندگان ۱۵۵ عضو دارد و تصمیمات خود را با اکثریت آرا اتخاذ می‌نماید. اما در شرایطی مانند اصلاحات مهم بر قانون اساسی یا تصویب لوایح مربوط به سلب مالکیت «مالا یوها»، تصویب  $\frac{2}{3}$  نمایندگان ضروری است. تمام بخش‌های دولتی مالزی می‌توانند مورد سؤال مجلس نمایندگان واقع شوند. مجلس از این حق خود نه تنها برای اخذ اطلاعات ویژه استفاده می‌کند بلکه وضعیت و صلاحیت یک بخش اداری دولت را نیز مشخص می‌کند.

روش گذراندن لایحه از مجلس با روش گذراندن طرح متفاوت می‌باشد. چنانچه لایحه‌ای از مجلس نمایندگان گذشت دیگر به سنا ارجاع نمی‌گردد. در صورتی که طرح باید در هر دو مجلس به تصویب برسد. وقتی که وزیری می‌خواهد لایحه‌ای را طرح کند ابتدا باید مسئله را با دادستان کل در میان بگذارد و سپس تصویب کابینه را اخذ نماید و آن گاه لایحه در اختیار مجلس قرار گیرد. هر لایحه باید مراحل اول و دوم قرائت را طی کند تا مورد بررسی کمیته قرار گیرد و پس از بررسی کمیته ذی ربط قرائت سوم برگزار می‌شود. اگر چنین لایحه‌ای از مجلس بگذرد و شاه نیز آن را تصویب نماید، قانون تلقی می‌شود. مجلس نمایندگان در قیاس با سنا از اختیارات بیشتری برخوردار است و می‌تواند از اجرای طرح‌های تصویب شده سنا جلوگیری

نماید.

مجلس سنا نیز دارای ۶۹ عضو می باشد که ۴۰ نفر از آنها به وسیله شاه و از میان اشخاص برجسته، متخصصان، بازرگانان، صاحبان صنایع، کشاورزان و دست اندرکاران امور فرهنگی و اجتماعی و همچنین بزرگان نژادهای موجود در این کشور منصوب می گردند. ۲۶ سناتور باقی مانده توسط مجالس قانون گذاری ۱۳ ایالت انتخاب می گردند. رئیس مجلس سنا نیز توسط نمایندگان سنا انتخاب می شود. دوره ریاست مجلس سنا آن ۶ سال است.

مهم ترین احزاب فعال و دسته بندی های سیاسی مالزی به قرار زیر است:

۱- آمنو (UMNO)

۲- حزب چینی (MCA)

۳- حزب هندی ها (MIC)

۴- حزب چینی (GRM)

۵- حزب (PBB)

۶- حزب ساراواک (SUPP)

۷- حزب ساراواک (SNAP)

۸- حزب ساراواک (PBDS)

۹- حزب صباح (PBS)

۱۰- حزب صباح (USNO)

۱۱- حزب حمیم

۱۲- حزب داپ (DAP)

۱۳- حزب پاس (PAS)

۱۴- سازمان ملی مالایای متحد

۱۵- انجمن چینی های مالزی

۱۶- کنگره هندیان مالزی

۱۷- حزب جنبش دمکراتیک

۱۸- حزب اسلامی.

## فصل سوم - اقتصاد مالزی

### الف - تحولات اقتصادی مالزی در سال ۱۹۹۶ میلادی

۱- اقتصاد کشور مالزی در سال ۱۹۹۶ از رشد بالایی برخوردار بود. به دنبال گسترش و رشد فزاینده اقتصادی در دوره هشت ساله گذشته، تولید واقعی ناخالص داخلی با سرعت پایاتری از قرار ۸/۲ درصد (در سال ۱۹۹۵، ۹/۵ درصد) رشد یافت که با منابع موجود سازگار بود. در طول سال مزبور، کسری حساب جاری بهبود چشمگیری پیدا کرد و برای چهارمین سال پیاپی مازاد در موجودی مالی حفظ شد. سهم پس انداز ناخالص ملی در تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۶ از ۳۷ درصد به ۳۸ درصد افزایش یافت

که با توجه به معیارهای بین‌المللی رقم بسیار بالایی است. افزایش قیمت‌ها نیز در سقف ۳/۵ درصد مهار شد. این نتیجه مطلوب پیامد ترکیب معقول سیاست‌های کلان اقتصادی بود تا بدون اعمال فشارهای بیش از اندازه به منابع موجود، رشد پایا و به نسبت بالای اقتصادی به دست آید. همراه با رشد مستمر تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه اسمی در سال ۱۹۹۶ به ۱۱۲۳۴ رینگیت برابر با ۴۴۶۶ دلار امریکا رسید.

۲- در سه ماهه اول سال ۱۹۹۷ میلادی، برآوردهای اولیه نشان داد که تولید واقعی ناخالص داخلی ۸/۲ درصد افزایش یافته است. رشد اقتصادی را عمدتاً فعالیت‌های بی‌وقفه داخلی در بخش‌های تولید و ساخت‌وساز خدمات تقویت کرده‌اند و از اوایل سال ۱۹۹۷ تقاضای صادرات نیز بهبود یافته است. در زمینه تقاضا، مصرف بخش خصوصی - گرچه با سرعتی ملایم‌تر - افزایش پیدا کرد، در حالی که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز همچنان شدید بود. در بخش خارجی، حساب بازرگانی مازاد عظیمی از قرار ۲ میلیارد رینگیت به ثبت رسید و اندوخته‌ها به ۷۲/۲ میلیارد رینگیت افزایش یافت که برای تأمین وجوه حدود ۴/۷ ماه واردات کافی بوده است. تورم برحسب شاخص قیمت مصرفی (CPI, ۱۹۹۴=۱۰۰) در پنج ماهه اول سال ۲/۹ درصد از دیاد پیدا کرد.

۳- در زمینه عرضه، عملکرد همه بخش‌های اصلی همچنان مطلوب بود، اگرچه سرعت توسعه در همه بخش‌ها - تقریباً - نسبت به سطوح بالای سال ۱۹۹۵ کمتر شده بود. عامل اصلی شتاب دهنده رشد توسعه فرازنده در بخش تولید (۱۲/۲ درصد) بوده است، اضافه بر آن سهم بخش‌های ساخت‌وساز (۱۳ درصد) و خدمات (۹/۱ درصد) نیز قابل توجهند. در زمینه تقاضا، تقاضای کل داخلی واقعی با نرخ کندتری از قرار ۶/۳ درصد رشد یافت.

۴- در حوزه خارجی، تراز کلی پرداخت‌ها روندی متفاوت پیدا کرد و در مقایسه با کسری ۴/۴ میلیارد رینگیت سال ۱۹۹۵، مازادی برابر با ۶/۲ میلیارد رینگیت به ثبت رسید. در نتیجه، در پایان سال ۱۹۹۶ خالص اندوخته‌های بین‌المللی به ۷۰ میلیارد رینگیت رسید که برای تأمین وجوه حدود ۴/۴ ماه واردات تعیین شده کافی بوده است. علت بهبود چشمگیر تراز پرداخت‌ها عمدتاً کسری کمتر حساب جاری از قرار ۱۳ میلیارد رینگیت یا ۵/۵ درصد تولید ناخالص ملی بود که به دنبال رشد کمتر واردات و نیز محدود کردن کسری خدمات روی داد. به عبارت دیگر تراز کلی پرداخت‌ها بسیار بیشتر از آنی که در کاهش کسری تراز اولیه منعکس بود، تقویت شده بود. علت این امر سهم قابل توجه خروج سرمایه از حساب سرمایه بلند مدت بود که بر پیش پرداخت و ام‌های خارجی دلالت داشت. اگر پیش پرداخت به حساب آورده نشود تراز اولیه مازاد نشان می‌دهد.

۵- اقتصاد مالزی در سال ۱۹۹۶ با دشواری‌های عمده‌ای روبه‌رو شده بود. فشارهای بالقوه تورم‌زا، کمبود نیروی کار و کسری حساب جاری خارجی از آن جمله‌اند. اگرچه تورم قیمت مصرفی مهار شد، ولی توقعات تورم‌زا باقی ماند و با درآمد روبه افزایش، سود فراوان شرکت‌های سهامی و نیز ثروت حاصله از قیمت‌های روزافزون املاک، بدتر هم شد. از این رو کانون توجه سیاست‌گذار محدودسازی تقاضای اضافی از طریق اعمال سیاست‌های مالی و پولی، توجه به محدودیت‌های عرضه از طریق گسترش ظرفیت تولید، افزایش عرضه مواد غذایی و بهبود شبکه توزیع و مهار تورم قیمت املاک بوده

1. Consumer Price Index.

است. این رشته اقدامات ضد تورمی با اقدامات اجرایی جهت مهار افزایش قیمت‌ها و ایجاد جامعه‌ای صرفه‌جوتر تکمیل شد. در اواخر سال ۱۹۹۶ بسیج ملی پس‌انداز آغاز شد و سیاست کلی ادامه رشد اقتصادی بلند مدت ضمن برخورداری از ثبات قیمت‌ها بعدی تازه یافت.

۶- در سال ۱۹۹۶ سیاست مالی سیاست تثبیت و محدودیت بود. کنترل نقدینگی به سمتی هدایت یافت که تقاضای اضافی و در نتیجه فشارهای تورمی محدود شود و منابع به بخش‌های تولیدی سوق داده شود - که در توسعه اقتصادی کشور نقش مهمی دارند- اما هدف اصلی همچنان دستیابی به ثبات قیمت‌ها بود. سیاست پولی نیز بر تضمین ثبات در بازارهای پولی و ارزی تأکید داشت تا محیط تجاری مناسبی فراهم آید. افزایش اعتباری که مدنظر قرار گرفت، اعضای و ام‌های نظام بانکی به بخش املاک و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صاحب سهم به منظور خریداری سهام و کاربردهای مصرفی بود. در نتیجه، اقدامات اعتباری در مورد خرید اقساطی و اجاره به شرط تملیک که در اکتبر سال ۱۹۹۵ ارائه شده بود، ادامه یافت، ولی از اول ژانویه سال ۱۹۹۶ عملیات کارت اعتباری محدودتر شد.

۷- در حوزه مالی، دولت سیاست احتیاط و انضباط مالی را ادامه داد. مهم‌ترین بخش عملیات بودجه در سال ۱۹۹۶ افزایش پس‌اندازهای عمومی به منظور تأمین مالی هزینه‌های توسعه بدون توسل به استقرار بود. در طول سال، دولت منابع را به سمت بهبود زیر ساخت، پرورش نیروی انسانی ماهر و تشویق تحقیق و توسعه سوق داد. در همین زمان، سیاست مالی نیز بر تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش‌های راهبردی و گسترش قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی مائزگی متمرکز شده بود.

۸- تقویت تراز پرداخت‌ها در مدیریت اقتصاد کشور در سال ۱۹۹۶ یک اولویت به حساب می‌آمد. هدف تضمین این امر بود که تراز خارجی رشد بلند مدت اقتصادی را به خطر نیاندازد. بدین ترتیب، همه اقداماتی که پیش از این از اوایل دهه ۱۹۹۰ جاری بود، تحکیم شد تا تراز پرداخت‌ها تقویت شود. در حساب بازرگانی، افزایش صادرات کالاهایی با ارزش افزوده بالا، بهبود پیوندهای داخلی جهت کاهش محتوی وارداتی صادرات و افزایش قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی مورد توجه خاص قرار گرفت. در حساب خدمات، پیشرفت حاصله در کاهش کسری بودجه بخش خدمات نوید بخش بوده. با این شیوه، دولت تأکید فزاینده‌ای بر بهبود حساب خدمات در زمینه‌های آموزش و پرورش، صنعت جهانگردی، کشتیرانی و خدمات حرفه‌ای داشت.

۹- در حوزه اشتغال، دولت همچنان اشتغال کارگران خارجی را به مثابه راه‌کاری موقت جهت حل مشکل کمبود نیروی کار مجاز شمرد. اما در میان مدت و بلندمدت معضل کمبود نیروی کار با حرکت راهبردی به سمت ماشینی‌تر ساختن بیشتر، فرایندهای تولیدی سرمایه‌بر و نیز صنایع سرمایه‌بر و توسعه فن‌آوری مدنظر قرار گرفت. این امر با بهبود بهره‌گیری از نیروی کار موجود از طریق آموزش فنی و حرفه‌ای و توسعه منابع انسانی به منظور افزایش بهره‌وری و کارایی گام‌های نخست خود را طی کرد.

### ب- تحولات اقتصادی مالزی در سال ۱۹۹۷ میلادی

۱- تولید واقعی ناخالص داخلی در سه ماهه اول سال ۱۹۹۷، ۸/۲ درصد رشد داشت. این در حالی بود که بخش‌های تولیدی، ساخت و ساز و خدمات از نرخ رشدی بالاتر از میانگین ملی برخوردار بودند.

بازداده بخش تولیدی با رشد ۱۵/۵ درصدی و بازداده صنایع معطوف به داخل ۱۲/۹ درصد افزایش یافت. صنایع صادرات محور، رشدی به میزان ۱۰/۳ درصد را در بازداده به ثبت رساندند که بیشترین افزایش معادل ۲۲/۹ درصد در بازداده «نیمه رساناها» بود.

۲- در سه ماهه اول سال ۱۹۹۷، مالزی مازاد تجاری چشمگیری معادل ۲ میلیارد رینگیت به ثبت رساند. در حالی که در همین مدت در سال ۱۹۹۶ کسری معادل ۱/۴ میلیارد رینگیت داشت. اگرچه رشد صادرات در سه ماهه اول سال ۱۹۹۷ با کاهشی معادل ۳/۵ درصد به ۴۹ میلیارد رینگیت رسید اما با انقباض ۳/۵ درصدی ارزش واردات (۴۷ میلیارد رینگیت) جبران شده و در نتیجه مازاد تجاری به دست آمد.

۳- در سه ماهه اول سال ۱۹۹۷، نرخ تورم به ۳/۱ درصد کاهش یافت در حالی که در مدت مشابه سال ۱۹۹۶، نرخ تورم ۳/۴ درصد بود. در آوریل سال ۱۹۹۷، تورم بیشتر تنزل کرده به ۲/۶ درصد رسید. کاهش نرخ تورم، تأثیر مثبت سیاست پولی بسته، محدودیت‌های مالی و اقدامات اجرایی دولت را برای تسهیل محدودیت‌های عرضه نشان می‌دهد.

۴- در کل سال ۱۹۹۷ اقتصاد مالزی رشدی حدود ۸ درصد داشت و گمان می‌رود تورم همچنان پایین و کمتر از ۳/۵ درصد باقی مانده باشد<sup>۱</sup>. در همین مدت تراز پرداخت‌ها بهبود یافت و حساب جاری کسری کمتری داشت.

### ج- برنامه توسعه صنعتی مالزی تا سال ۲۰۰۵ میلادی

پیش از استقلال کشور مالزی تا اواخر دهه ۱۹۶۰، اقتصاد بر پایه کالاهای اولیه نظیر کائوچو (لاستیک) و قلع استوار بود. نوسانات دائمی قیمت کالاهای اولیه تأثیرات نامطلوبی بر اقتصاد کشور داشت. به زودی روشن شد که رابطه مبادله به نفع آن کشور نیست و مالزی باید پایه اقتصادی خود را متنوع ساخته و گسترش دهد. بخش تولید، بخش اصلی توسعه شناخته شد.

در طول دهه ۱۹۶۰ صنعتی سازی در مقیاس به نسبت کوچکی انجام می‌شد و صنایعی چون صنایع غذایی و نوشیدنی، تنباکو، چاپ و نشر، مواد شیمیایی و پلاستیک سازی جایگزین واردات می‌شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ بازار محدود داخلی سد راه توسعه سریع صنعتی بود و با افزایش تعداد کسانی که ترک تحصیل کرده و وارد بازار کار شدند، کشور مالزی نرخ روبه رشد بیکاری را تجربه کرد. تسکین این مشکلات با توجه به عدم ثبات درآمدهای حاصله از صادرات کالاهای اولیه تغییری راهبردی در خط مشی اتخاذ شده را می‌طلبید. دولت راهبرد صنعتی سازی صادرات محور را برگزید.

برای نیل به این مقصود، مجموعه‌ای از تسهیلات و مشوق‌های جذاب ارائه شد. ایجاد مناطق آزاد تجاری، تشویق‌های مالیاتی بر اساس بهره‌گیری از نیروی کار، توسعه زیر ساخت و تهیه و تدارک تسهیلات از این جمله بودند. فعالیت‌های تبلیغی - تشویقی فراوانی صورت گرفت تا کشورهای مختلف به سرمایه‌گذاری در صنایع کاربری، به ویژه الکترونیک و نساجی جلب شوند. بدین ترتیب، دهه ۱۹۷۰ شاهد هجوم سرمایه عمدتاً در بخش صنایع الکترونیک و نساجی بود و [سرمایه‌گذاران] از نیروی کار، مناطق آزاد و خیل عظیمی از سایر تسهیلات اعطایی دولت مالزی سود جستند.

در دهه ۱۹۸۰ اجرای بخش اولین برنامه عمده صنعتی کشور مالزی آغاز شد. برنامه اول بر ادامه روند

۱. دسترسی به آمار دقیق و شاخصه‌های اقتصادی مالزی در سال ۱۹۹۷ ممکن نشد.

صنعتی سازی صادرات محور و نیاز به گوناگون سازی بیشتر در بخش تولیدی تأکید داشت. برنامه بر توسعه صنایع وابسته به منابع اولیه و مستقل از منابع موجود تکیه کرده و چارچوب توسعه و گسترش بخش تولیدی را ارائه کرد. دوازده زیر بخش<sup>۱</sup> صنعتی، متشکل از هفت صنعت وابسته به منابع اولیه و پنج صنعت مستقل از منابع، برای توسعه در طول مدت برنامه در نظر گرفته شد. صنایع وابسته به منابع اولیه عبارت بودند از: محصولات لاستیکی، فراورده های روغن نخل، محصولات چوبی، مواد شیمیایی و پتروشیمی، فراورده های فلزات غیر آهنی، مواد خوراکی و فراورده های معدنی غیر فلزی. صنایع مستقل از منابع عبارت بودند از: محصولات الکتریکی و الکترونیکی، تجهیزات حمل و نقل، ماشین آلات و وسایل مهندسی، فلزات آهنی، نساجی و پوشاک.

به دنبال آزادسازی بیشتر سیاست های سرمایه گذاری خارجی، تشدید تلاش های تشویقی و تبلیغی و عوامل مطلوب بیرونی در اواخر دهه ۱۹۸۰، جریان سرمایه گذاری های مستقیم خارجی به بخش تولیدی به نحو چشمگیری افزایش یافت. در همین مدت بود که نخستین خود درو ملی تولید شد. در پایان برنامه اول در سال ۱۹۹۵، عملکرد بخش تولیدی بسیار فراتر از اهداف اولیه ای بود که در برنامه منظور شده بود و مالزی بدل به صادر کننده عمده محصولات الکترونیکی نظیر نیم رسانه ها و فراورده های لاستیک خام نظیر دستکش، میل (پزشکی) و نخ های لاستیکی شده بود.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش عمده ای در توسعه بخش تولیدی ایفا کرده است. سرمایه گذاری در بخش تولیدی در طول زمان به نحو قابل ملاحظه ای رشد یافت. در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶، در مجموع ۱۱۶۸۰ پروژه با کل سرمایه ای معادل ۲۳۲/۹ میلیارد رینگیت مورد تأیید قرار گرفت. از این میزان مورد تصویب، ۱۱۹/۶ میلیارد رینگیت یا به عبارتی ۵۱/۴ درصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ۱۱۳/۳ میلیارد رینگیت یعنی ۴۸/۶ درصد داخلی بودند. این سرمایه گذاری ها در کل ۱۶۷۴۸۸۱ موقعیت جدید شغلی ایجاد کردند. عمده ترین منابع سرمایه مستقیم خارجی ژاپن، تایوان، ایالات متحده آمریکا، سنگاپور، فرانسه، جمهوری کره (کره جنوبی) و استرالیا بودند.

عملکرد قابل تحسین اقتصاد مالزی عمدتاً نتیجه حرکت موفق صنعتی شدن و رشد بی سابقه در باز داده بخش تولیدی به ویژه از سال ۱۹۸۷ به بعد بوده است. در سال ۱۹۹۶، بخش تولیدی رشدی دو رقمی از قرار ۱۲/۸ درصد را به ثبت رساند. با این میزان رشد، سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی از ۳۳/۱ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۳۴/۵ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید و نرخ بیکاری به میزان ۲/۶ درصد که به معنای اشتغال کامل است به ثبت رسید.

با هدف ترسیم مرحله بعدی توسعه صنعتی مالزی، در تاریخ ۲۸ نوامبر سال ۱۹۹۶ نخست وزیر کشور، دکتر ماهاتیر محمد،<sup>۲</sup> دومین برنامه عمده صنعتی (۱۹۹۶-۲۰۰۵) را آغاز کرد که دوره جدیدی را برای صنعت کشور نوید می داد، در دهه ای که اقتصاد جهانی روز به روز فراگیرتر و جهانی تر می شود و با آزادسازی بیشتر اقتصادی و رقابت شدیدتر همراه است، راه اندازی برنامه دوم تصدیق تلاش های انجام شده در پیش برد کشور مالزی به سطح بالاتری از روند صنعتی سازی محسوب می شود.

راهبرد دو شاخه برنامه دوم، حرکت به سوی ایجاد اقتصاد «تولید بیشتر - بهتر» و «رویکرد خوشه ای توسعه» است. تحت این راهبرد، صنایع ترغیب می شوند تا در مسیر زنجیره ارزش حرکت نمایند و تمام فعالیت های

1. Sub-Sector.

2. Dr. Mahathir Mohammad.

دارای ارزش افزوده را در نظر داشته باشند که شامل تحقیق و توسعه، طراحی و ارائه الگو، تکامل محصول، توزیع، تدارکات و پشتیبانی و بازاریابی است. پیش‌بینی می‌شود رویکرد خوشه‌ای، چارچوب منسجم‌تر و نظام یافته‌تری را برای توسعه صنعتی ارائه دهد که رشد همزمان بخش‌های تولیدی و خدمات را در بر داشته باشد.

انتظار می‌رود مالزی با اجرای برنامه دوم وارد مرحله جدیدی از صنعتی‌سازی شود. بر طبق این برنامه، هشت گروه صنعتی، یعنی برق و الکترونیک، نساجی و پوشاک، مواد شیمیایی، صنایع وابسته به منابع اولیه، کشت و صنعت، صنایع غذایی، صنعت پارچه و ماشین‌آلات تعیین شده‌اند تا به صورت خوشه‌های رقابتی توسعه یابند. برق و الکترونیک، پتروشیمی، داروسازی، هوا-فضا، پلیمر، فلزات، سرامیک، ماشین‌آلات و تجهیزات از جمله خوشه‌های تعیین شده برای توسعه هستند. برنامه دوم به صورت برنامه‌ای چرخشی در طول ده سال آینده اجرا می‌شود که با مشارکت فعال بخش خصوصی همراه خواهد بود تا تحقق ثمربخش برنامه تضمین شود.

پیش‌بینی می‌شود سهم بخش تولیدی در تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ به ۳۷/۵ درصد و در سال ۲۰۰۵ به ۳۸/۴ درصد برسد. در خلال نیمه اول برنامه دوم (۱۹۶۰-۲۰۰۰) پیش‌بینی می‌شود بخش تولیدی هر سال ۱۰/۷ درصد رشد داشته باشد. اما این رشد در نیمه دوم برنامه (۲۰۰۱-۲۰۰۶) به ۸/۳ درصد در سال کاهش یابد. تخمین زده می‌شود که از میان مجموع ۱۰ میلیون موقعیت شغلی جدید که قرار است در خلال برنامه دوم ایجاد شود، ۲/۸ میلیون در بخش تولیدی باشد.

روند صنعتی‌سازی را در هزاره بعدی همچنان بخش خصوصی و بازار هدایت خواهند کرد. انتظار می‌رود بخش خصوصی موتور اصلی رشد اقتصادی باشد و دولت در تحقق اهداف صنعتی کشور در آستانه قرن بیست و یکم حکم کاتالیزور را پیدا کند.

#### د- سیاست‌های آینده مالزی

مسئله‌ای که کشور مالزی با آن روبه‌روست، مسئله ادامه رشد پایا و کیفی است؛ کشور مالزی از سال ۱۹۸۸ تاکنون توانسته نرخ رشد میانگین ۸/۸ درصد را حفظ کند. این امر با در نظر گرفتن هدف اصلی آن کشور که همانا دستیابی به موقعیت ملتی کاملاً توسعه یافته تا سال ۲۰۲۰ است، همخوانی دارد. البته دولت سعی دارد این وضعیت را با حفظ ثبات اقتصاد کلان و تضمین استفاده همه اقشار جامعه به ویژه قشر آسیب‌پذیر از روند رشد اقتصادی، ادامه دهد. تداوم رشد شدید اقتصادی و در عین حال حفظ ثبات اقتصاد کلان با توجه به وضعیت اشتغال کامل در کشور و سطح بالای پس‌انداز - که لازم است به رشد مالی منتهی شود - دشواری‌هایی را برای آن کشور ایجاد خواهد کرد. بنابراین، دولت راهبرد رشد اقتصادی مبتنی بر افزایش بهره‌وری را انتخاب نموده است. در این زمینه، اهداف سیاست‌های آتی کشور عبارتند از:

۱- بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری با هدایت سرمایه به آن دسته از بخش‌های اقتصادی که بهره‌وری بیشتری دارند، به ویژه آنهایی که به بهبود تراز وضعیت پرداخت و بالا بردن نرخ بازده سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند؛

۲- تشویق به پس‌انداز تا سهم بیشتری از درآمد ملی در خدمت سرمایه‌گذاری سود بخش قرار گیرد. لذا قرار است پس‌اندازهایی که از طریق نظام بانکی و بازار سرمایه به کار گرفته می‌شوند بیش از پیش به

- بخش‌هایی سرازیر شوند که به گسترش پایه سود بخش و صادراتی اقتصاد کمک کنند؛
- ۳- تسریع توسعه منابع انسانی با توجه به افزایش بهره‌وری عوامل از طریق تحقیق و توسعه بیشتر در نیل به افزایش توانایی‌های فن‌آوری و مدیریتی؛
- ۴- تشویق به سرمایه‌گذاری در توسعه فرآوری و توجه به تحقیق و توسعه کار و کاهش نیاز به نیروی کار؛
- ۵- افزایش زنجیره ارزشی فرایند تولید با تأکید بر فراسوی تولید و مونتاژ کالا از طریق توجه بیشتر به تحقیق و توسعه، طراحی محصول و بازاریابی و نیز توسعه صنایع کوچک و متوسط به صناعی که توانایی تهیه در داده‌های با کیفیت و ارائه خدمات به صنایع اصلی را داشته باشند. این امور با هدف ایجاد بخش کاملاً نظام‌یافته تولیدی صورت می‌گیرد که قادر به تولید محصولاتی با ارزش افزوده بالا باشد، چنانکه در دومین برنامه عمده صنعتی تصویر شده است؛
- ۶- سوق دادن مالزی به سطح بالاتری از رقابت‌پذیری بین‌المللی نه تنها در تجارت کالا بلکه همچنین در تجارت خدمات. دولت در نظر دارد همگام با این سیاست تلاش‌هایی صورت دهد تا مالزی به سطح کشورهای بسیار پیشرفته از نظر فن‌آوری برسد.

۵- مقایسه تطبیقی شاخص‌های اقتصادی از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ میلادی

۱۹۹۸ (پیش‌بینی)	۱۹۹۷ (برآورد)	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	
۷/۲	۷/۸	۸/۲	۹/۵	۹/۲	تولید ناخالص داخلی
۱۰۷	۱۰۲	۹۴/۱	۸۴/۳	۷۰/۷	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
۳	۳/۴	۳/۵	۳/۴	۳/۷	میانگین سالانه تورم
۰/۸	۱	۰/۲	۰/۹	۲/۳	تراز بودجه به صورت درصدی از GDP
۸۸/۵	۸۱/۵	۷۸/۲	۷۲/۷	۵۸/۶	صادرات کالاهای تجاری
۸۷/۵	۸۳/۵	۷۸/۷	۷۶/۴	۵۹/۴	واردات کالاهای تجاری
۱/۵	-۲	-۰/۵	-۳/۷	-۰/۸	تراز بازرگانی
۲/۶	۳	۳/۵	۴/۱	۴/۳	خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۵۴	۵۰	۴۳	۳۷/۵	۳۴/۲	بدهی ناخالص خارجی
۵۳	۵۵	۵۰	۴۶	۵۲	بدهی خارجی به صورت درصدی از صادرات کالاها و خدمات
۲۸	۲۵	۷	۲۳/۷	۲۵/۴	ذخایر ارزی
	۸۸۸	۱/۲۳۸	۹۷۵	۹۷۱	شاخص مرکب سهام کوآلامپور در پایان سال ۱۹۹۷

### فصل چهارم- بررسی بحران اقتصادی و مالی آسیای جنوب شرقی

کشورهای عضو اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی (آسه آن) در دهه‌های اخیر یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی در جهان را داشته و از همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی خوبی نیز برخوردار بوده‌اند.

این رشد بالا موجب شد تا این کشورها از تسهیلات اعطایی صندوق‌های وام‌دهنده منطقه‌ای و بین‌المللی و سرمایه‌های گذاران بزرگ داخلی و خارجی به صورت کوتاه مدت و بلند مدت بهره‌مند

شوند. تاکنون نیز جریان ورود سرمایه به داخل این منطقه ادامه داشته و دولت‌ها از این جریان سود می‌برند. دولت‌های منطقه نیز برای جلب اطمینان صاحبان سرمایه و حفظ جریان این پول‌ها همواره با وضع قوانین حمایتی و نرخ‌های بهره مناسب و... از این سرمایه‌ها پشتیبانی کرده‌اند.

در خلال چند دهه اخیر به طور معمول و به انحای مختلف اقتصاد این کشورها با فراز و فرودهایی مواجه بود که با تمهیداتی که اندیشیده می‌شد از شدت و وخامت اوضاع کاسته می‌شد و در پاره‌ای اوقات هم با کمک‌های مختلف، جریان امور سیر عادی خود را از سر می‌گرفت. البته مدت ناآرامی‌های اقتصادی بستگی به عوامل و متغیرهای گوناگونی داشت و دارد، اما بحران پولی کنونی بر مسائل اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی این کشورها سایه انداخت. این موضوع که به «بحران پولی» شهرت پیدا کرد در واقع از اوایل سال ۱۹۹۷ میلادی آغاز گردید ولی از ماه جولای همان سال که تایلند نرخ «بات» (واحد پول تایلند) را شناور اعلام کرد، شکل جدی به خود گرفت و به سرعت به کشورهای مالزی، اندونزی، فیلیپین، سنگاپور، برونئی و حتی ویتنام و چندین کشور که با این کشورها قرابت بیشتری داشتند نظیر: هند، پاکستان، بنگلادش، نپال و... سرایت کرد و در واقع پول ملی این کشورها در برابر دلار آمریکا سقوط کرد و ارزش پول آنها در برخی موارد تا ۵۰ درصد کاهش یافت.

تحولات اقتصادی و مالی آسیای جنوب شرقی، نظر اکثر محافل سیاسی - اقتصادی جهان را به خود معطوف داشت و هر یک از آنها را به اظهار نظرهای متفاوتی پیرامون ماهیت بحران فوق وادار نمود. گروهی حادثه مزبور را نوعی توطئه تلقی نموده و عده‌ای نیز آن را ناشی از مشکلات ساختاری اقتصادهای کشورهای این منطقه برمی‌شمردند. همچنین برخی دیگر از اندیشمندان این بحران را کوتاه مدت و مقطعی قلمداد نموده، اما در مقابل گروهی دیگر از صاحب‌نظران عرصه سیاست و اقتصاد پدیده مورد اشاره را دامنه‌دار، طولانی و با اثرات جانبی منطقه‌ای و جهانی معرفی کردند. اگر بخواهیم به علل بحران مزبور بپردازیم باید گفت که بحران منطقه جنوب شرقی آسیا، بحرانی نیست که صرفاً علل اقتصادی داشته باشد یا این که صرفاً نتیجه برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های اقتصادی باشد، بلکه مسائل سیاسی و سیاست‌گذاری‌های نادرست نیز در این امر دخیل هستند. در ذیل مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری بحران اخیر (سیاسی - اقتصادی) مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### الف - عوامل بحران

الف-۱- عوامل سیاسی: عقیم ماندن تلاش‌های سیاسی آمریکا در منطقه و به دنبال آن دخالت ابرقدرت‌ها به خصوص آمریکا برای برهم زدن وضعیت اقتصادی منطقه<sup>۱</sup>، بی‌ثباتی سیاسی مزمن در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی و عدم انعطاف‌پذیری لازم ساختارهای این کشورها، فساد گسترده سیاسی و اقتصادی در میان گروه‌های کوچک اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا، مخالفت کشورهای عضو «آ.سه. آن»، با دخالت آمریکا در امور داخلی کشورهای این منطقه و موضوع حقوق بشر، مخالف با قدرت نامحدود آمریکا در سازمان ملل متحد، تحقق عضویت «میانمار» در «آ.سه. آن» علی‌رغم مخالفت آمریکا و کشورهای اروپایی، مغایرت نظر اخیر کشورهای «آ.سه. آن» با کشورهای صنعتی در سازمان تجارت جهانی (نظیر عضویت کشورها و اختلاف پیرامون موضوع‌های اجتماعی در امور تجاری در این سازمان جهانی)

۱. جهت اطلاع بیشتر به مقاله مندرج در روزنامه هرالد تریبون مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷ تحت عنوان "Hornets; Nest for U.S. At Asia Finance Talks" مراجعه شود.

و... موجب شد که نهادهای پولی غربی به رهبری بانک‌های امریکایی در یک اقدام هماهنگ، اوضاع اقتصادی این کشورها را به مخاطره اندازند و در نتیجه این حرکت، بهره‌های احتمالی آن‌را از آن نظام اقتصادی خود نمایند.

خشم غربیان از آ.سه. آنی‌ها در دو قالب مخالفت علنی با نظرات مستقل آنها در مسائل اجتماعی و سیاسی منطقه و نیز تبدیل جنوب و شرق آسیا به یک رقیب جدی برای اقتصاد غرب در آینده عملاً در مذاکرات یا اظهارات مختلف مسئولان این کشورها مشاهده می‌گردید، حتی وزیر امور خارجه امریکا در اجلاس سال ۱۹۹۷ ARF در کوالالمپور کشورهای «آ.سه.آن» را به انتقام تهدید نمود.

مالزی بیش از دیگر کشورهای عضو «آ.سه.آن» دخالت‌های سیاسی و به عبارت دیگر اثرات نامطلوب سفته‌بازی و دلالی ارز را در این بحران دخیل می‌داند (به غیر از مالزی کشورهای دیگر منطقه نیز پس از وقوع بحران خواهان محدودیت سفته‌بازی و نه غیر قانونی اعلام کردن آن شدند)<sup>۱</sup> و لذا «مهاتیر محمد» در سخنرانی خود در اجلاس مشترک صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۷ گفت:

«... اینک به خوبی برای ما روشن شده است که اقتصاد کشورهای در حال توسعه می‌تواند به سادگی مورد دست‌اندازی قرار گیرد و این گردانندگان صندوق‌های بزرگ هستند که تصمیم می‌گیرند چه کسی باید رشد کند و چه کسی نباید. سوداگران ارز با هر معامله میلیاردی دلار به جیب می‌زنند ولی در کمال تأسف این ثروت را از راه فقیرتر کردن دیگران تصاحب می‌کنند. کشورهای جنوب شرق آسیا هدف آنها قرار گرفته‌اند زیرا ما پول داشتیم ولی فاقد توان لازم برای دفاع از خود بودیم. مالزی بیش از ۲۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست داد. ولی سوداگران ارز ثروتمندتر شدند و پول هنگفت به جیب خود سرازیر کردند. میلیاردی‌هایی وجود دارند که به این پول‌ها احتیاجی ندارند. حتی کسانی که در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، خود ثروتمندان سرشناسی هستند. به ما گفته می‌شود که میانگین سود در این فعل و انفعال، ۳۵ درصد در سال است و به ما گفته می‌شود که اگر از نظام پولی بین‌المللی سر در نیاوریم، در این دنیا زندگی نمی‌کنیم. می‌دانم که ریسک بزرگی را به جان می‌خرم اگر این پیشنهاد را مطرح کنم که تجارت در پول ممنوع شود، ولی می‌گویم که این کار غیر ضروری، بی‌ثمر و غیر اخلاقی است. باید متوقف شود و باید غیر قانونی اعلام گردد».<sup>۲</sup>

الف-۲- عوامل اقتصادی<sup>۳</sup>: از جمله ساز و کارها و علل و عوامل اقتصادی که در به وجود آمدن این بحران می‌توان به آنها اشاره کرد، موارد ذیل می‌باشند.

کسری حساب جاری، حجم زیاد وام‌های سوخت شده، کمبود اعتبارات، حجم بالای قروض خارجی در بعضی از این کشورها نظیر اندونزی و تایلند، عدم تثبیت ارزش پول توسط اهرم‌های معقول در اکثر این کشورها، رشد اقتصادی بالا و نامتناسب با ظرفیت‌های محدود اقتصادی این کشورها، سفته‌بازی و دلالی که یک تجارت متداول و مرسوم شده است، تکیه افراطی بر دلار به عنوان ارز متداول در تجارت جهانی و بین منطقه‌ای، اتکای فراوان به منابع مالی خارجی، کم شدن قدرت اعمال سیاست‌های اقتصادی توسط دولت و

۱. جهت اطلاع بیشتر به مقاله مندرج در روزنامه هرالد تریبیون مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷ تحت عنوان "Search for Avillain in Southeast Asia Talks" مراجعه شود.

۲. جهت اطلاع بیشتر به گزارش بحران ارزی، تأثیر تضاد بین واقعیت‌ها و بیابیه‌های اقتصادی بر اوضاع سیاسی - اجتماعی (دیدگاه سنگاپور)، سفارت جمهوری اسلامی ایران، جا کارتا مورخ ۱۳۷۶/۱۱ مراجعه شود.

۳. جهت اطلاع بیشتر به مقاله آقای Songsengwun یکی از اقتصاددانان منطقه جنوب شرق آسیا در مؤسسه Hoar Govett ABN- AMRO در سنگاپور مندرج در روزنامه هرالد تریبیون مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۷ مراجعه شود، وی معتقد است مشکلات اقتصادی در کشورهای منطقه علت اصلی بحران می‌باشد.

باز کردن افراطی درهای کشور به روی سرمایه‌های خارجی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت و دیربازده، پیروی از سیاست‌های توسعه کشورهای غربی و ژاپن بدون توجه به ساختارهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود که منجر به رشد کاذب و بدون دستیابی به توسعه واقعی شده است، وجود قدرت‌های اقتصادی ذی نفوذ و پیوند آنان با مراکز قدرت سیاسی در این کشورها که با استفاده از قدرت فائقه سیاسی خود اهداف اقتصادی مورد نظرشان را به هر ترتیبی دنبال می‌کنند (نظیر آنچه خانواده سوهارتو در اندونزی عمل کردند)، بهبود وضع اقتصادی اروپا و توجیه اقتصادی پیدا کردن راه بازگشت قسمتی از سرمایه‌های موجود در کشورهای جنوب و شرق آسیا به کشورهای مادر یا سرمایه‌گذار، پیوستگی یا چسبندگی شدید اقتصادی کشورهای این حوزه از جهان به یکدیگر به ویژه در بعد اقتصادی<sup>۱</sup> باعث گردیده است که عوامل مؤثر در اقتصاد این کشورها در اشکال مثبت و منفی خود دارای انعکاس شدید در کل منطقه بوده و به محض بروز یک پدیده اقتصادی در یکی از این کشورها اثرات جانبی آن به دیگر کشورهای منطقه نیز سرایت کند، به علاوه نباید کارکرد نامناسب سرمایه‌های خارجی انجام شده در این منطقه به خصوص در دهه ۱۹۹۰ در زمینه‌هایی نظیر بانکداری، سفته بازی، معاملات و خرید اموال غیرمنقول به جای این که در پروژه‌های تولیدی و زیربنایی به کار گرفته شود، نیز غافل بود. تأثیر این پدیده مشابه وقایع دهه ۱۹۸۰ در کشورهای امریکای لاتین است. از جمله اثرات تشدیدکننده بحران این که، سرمایه‌گذاران خارجی و بعضاً داخلی در این کشورها با بروز بحران در نظام مالی و اقتصادی به سرعت اقدام به خارج نمودن سرمایه‌های خود نمودند. به عبارت دیگر کشورهای بحران زده در حال حاضر بهای حرکت سریع ۱۰ سال گذشته را که در جهت رسیدن به «کشورهای پیشرفته» انجام داده‌اند، می‌پردازند. تأثیر شگرف عملکرد عامل روانی نیز در همین ارتباط قابل تأمل است، به گونه‌ای که بسیاری از دارندگان سرمایه‌های بزرگ و کوچک داخلی و حتی افراد معمولی تلاش می‌کنند پول خود را به دلیل کاهش نرخ برابری ارز ملی خود در مقابل ارزهای معتبر بین‌المللی تسعیر کنند. هجوم خریداران مواد غذایی به فروشگاه‌ها و جلو انداختن خریدها از سویی و عدم توانایی به موقع عرضه کنندگان یا خودداری آنها از عرضه محصولات خود دامنه بحران را به شکل مضاعفی تشدید کرد.

بی‌اعتمادی زیاد به پول ملی در این قبیل موارد موجبات خلع سلاح عملی مقامات پولی و سیاست‌گذاران اقتصادی را فراهم می‌آورد. در عین حال تلاش‌های مقام‌های کشورهای نظیر تایلند، کره جنوبی، مالزی و اندونزی برای استفاده از عرق ملی مردم در جهت حمایت از پول ملی علی‌رغم نتایج خوب آن تا تحقق کامل راهی بس دراز در پیش دارد.

از جانب دیگر راه‌حل‌های ارائه شده از سوی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول که مورد حمایت کشورهای غربی و ژاپن می‌باشد، با مخالفت بیشتر مسئولان کشورهای بحران زده واقع شده است، هرچند برخی از آنان نظیر تایلند و کره جنوبی ناگزیر از تن در دادن به شرایط تحمیلی مذکور گردیده‌اند.

مقامات اقتصادی این کشورها معتقدند شرایط پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول نظیر پذیرفتن «شناور بودن نرخ ارز» یا «باز نمودن کامل دروازه‌های کشور برای ورود و خروج کالا، خدمات و سرمایه» چیزی جز پایدار نمودن هرچه بیشتر بحران و تأخیر در جبران خسارت و بازگشت به وضعیت متعادل نیست. به عبارت دیگر این مقامات با بدبینی به اهداف نهادهای مذکور نگرسته و نسبت به آنها اعتماد کمتری از خود

1. Domino Effect.

نشان می دهند.

ناگفته نماند که مدیریت ضعیف در بعضی از این کشورها مزید بر علل مذکور و ناقص ثبات بوده است. Paul Krugman استاد اقتصاد مؤسسه فنی ماسوچوست امریکا از جمله اقتصاددانانی است که معتقد است معرفی افرادی همچون «سوروس»<sup>۱</sup> به عنوان مقصر این بحران کمکی به حل قضیه نمی کند، بلکه این برخورد واقع بینانه و متین رهبران منطقه در کسب اطمینان مجدد سرمایه گذاران است که می تواند رشد اقتصادی منطقه را ولو قدری کمتر از میزان سال های گذشته برگرداند. وی در توضیح علل بحران می گوید: «هیچ کس نمی تواند یا نباید سعی کند دستاوردهای چشمگیر رشد اقتصادی کشورهای آسیایی را نادیده انگارد. مع هذا این رشد معجزه نیست. اگر معجزه را رویدادی تعبیر کنیم که طبق قوانین عادی طبیعت قابل توضیح نباشد، رشد آسیا بنا به تعبیر William Overholt رشد مبتنی بر «گوشت و سیب زمینی» یا به تعبیر من «ماهی و برنج» است. معنای این عبارت این است که رشد آسیا غالباً همانند کشورهای دیگر، دلایل مشابه و یکسانی دارد و آن عبارت است از: نرخ بالای سرمایه گذاری که عمدتاً با پس اندازهای داخلی حاصل نشده است، ارتقای سریع سطح آموزش و انتقال تعداد زیادی از روستاییان بیکار به بخش های نوین اقتصاد. برخی از اقتصاددانان از جمله خود من به جهت ویژگی «ماهی و برنج» رشد اقتصادی آسیا معتقدیم: رشد آسیا محکوم به کند شدن بود. لذا سرمایه گذاری در این منطقه نمی تواند به لحاظ سهمی که در تولید ناخالص داخلی دارد مداوماً افزایش یابد و مردم نیز تنها می توانند چند سالی را در مراکز آموزشی بگذرانند و در نهایت تعداد روستاییانی نیز که می توانند به بخش های دیگر اقتصادی بروند محدود است. به عبارت دیگر عوامل رشد در این منطقه ضربه پذیرند. در مقابل این ایده برخی معتقدند رشد آسیا با دیگر نقاط جهان فرق می کند. این اعتقاد نه تنها احمقانه، بلکه خطرناک می باشد چون این تصور را به وجود می آورد که همیشه دوران رشد ادامه خواهد داشت»<sup>۲</sup>.

همچنین می توان به دلایل دیگری به شرح ذیل نیز اشاره کرد:

- از دست دادن قدرت رقابتی این کشورها؛
- مواجهه با مشکلات صادرات به علت ورود چین و هند به بازار جهانی و دسترسی کمتر به بازارهای فرامنطقه ای؛
- اتکای روزافزون بر نقش سرمایه های کوچک در تأمین مالی فرایندهای اقتصادی و مالی و بحران زایی بالای این نوع سرمایه ها؛
- تجربه رشد اقتصادی سریع تر از بسط توانایی های تکنولوژیک و در نتیجه افول قدرت رقابت پذیری اقتصاد این کشورها و کاهش کیفیت محصولات آن؛
- وجود جریان انتقالی فراگیر و عدم قطعیت های اقتصادی در بازارهای مالی، پولی، کالا و خدمات؛
- حاکمیت سرمایه های کوتاه مدت سفته بازانه به دلیل ظرفیت های ارتباطی جدید و قابلیت نقل و انتقال حجم سنگین آنها و تصمیم گیری های سریع تمام بازارهای مالی<sup>۳</sup> (ناشی از توسعه فن آوری و ارتباطات)؛
- عدم کارایی نسبی ابزارهای مدیریتی نهادهای بین المللی برای کشورهای در حال توسعه.

1. Soros.

۲. جهت اطلاع بیشتر به مقاله آقای کروگمن مندرج در مجله نایم مورخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۷ تحت عنوان "Wrong, It Never Existed" مراجعه شود.

۳. این رقم فقط در منطقه آسیای جنوب شرقی معادل ۱۵۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود.

الف-۳- عوامل فرهنگی: به لحاظ فرهنگی نیز اگرچه این مقوله مفصل است، لکن به طور اجمال و مرتبط با این بحران، عدم درک صحیح فی مابین دولت‌ها و مردم در این منطقه (البته درک متقابل به طور کل مدنظر است) به سرعت اثرات ناخوشایند عدم مقبولیت داخلی دولت‌ها را ظاهر می‌سازد که بعضاً مزید بر علت می‌شود. این موضوع بیشتر ناشی از پیروی محض از الگوهای توسعه غربی در این کشورها بدون توجه به ساختارهای مختلف کشور به ویژه زمینه‌های فرهنگی است.

### ب- آینده بحران

هرچند در آغاز بحران نظرات خوشبینانه‌ای از سوی صاحب‌نظران معروف اقتصادی دنیا در حل سریع وضعیت اقتصادی فعلی در جنوب و شرق آسیا اظهار گردید، ولی گذشت زمان نظرات بدبینانه را در این خصوص تقویت نمود. به عنوان نمونه آقای D.Sachs Jeffrey مدیر مؤسسه توسعه بین‌المللی هاروارد و مشاور تعدادی از دولت‌های آسیایی با خوش بینی از حل سریع بحران سخن گفته و معتقد است این مشکل به زودی مرتفع گردیده و رهبران آسیا می‌توانند ابتکار عمل را همراه با تشخیص درست در حل سریع آن در دست داشته باشند. وی تجربه اندونزی در بحران مالی ۱۹۷۴ و تجربه مالزی در اوایل دهه ۱۹۸۰ را به عنوان شاهد مدعای خود ذکر می‌نماید.<sup>۱</sup>

اما واقعیت این است که بحران کنونی در جنوب و شرق آسیا عمیق‌تر و گسترده‌تر از یک بحران مقطعی در محدوده زمان و مکان می‌باشد. بنابراین هر روز باید انتظار سرایت این بحران را به کل منطقه و حتی تأثیرگذاری بر کل اقتصاد جهانی را داشت. وضعیت فعلی، بحران مالی ۱۹۲۹ غرب را که با شدت بیشتر و شکل جدیدی ظاهر شده است، تداعی می‌نماید. ضمن آن که باید اعتراف نمود که ریشه‌ها و علل این بحران عموماً با بحران ۱۹۲۹ عموماً متفاوت است.

سردمدارانی نظیر «ماهاتیر محمد» نخست وزیر مالزی از پیش بینی دقیق زمان حل بحران و بازگشت به وضعیت عادی در آینده نزدیک خودداری نموده و مانند اکثر رهبران کشورهای بحران زده اظهارات نه‌چندان خوشبینانه‌ای داشته است.

اتخاذ تصمیمات جدی نظیر وضع بودجه‌های انقباضی و ریاضتی شدید، اتکا به همت ملی مردم، منع ورود بسیاری از کالاهای وارداتی، متوقف نمودن طرح‌های عظیم، اخراج کارگران خارجی، وضع مقررات مستقیم و غیر مستقیم برای جلوگیری هرچه بیشتر از تبدیل پول ملی به ارز خارجی، استفاده از روش‌های پایاپای در معاملات خارجی و... همگی نشانه‌های دراز مدت شمردن بحران از سوی مقامات کشورهای مبتلا به محسوب می‌گردد.

چنین تصمیماتی در واقع نشانگر شکست کوتاه‌مدت بسیار از برنامه‌های پیش‌بینی شده در تشکلات منطقه‌ای نظیر «افتا» و «اپک» محسوب می‌گردد.

کشورهای آسیای جنوبی و شرقی به نیکی دریافته‌اند که خود باید به صورتی جدی در راه حل این بحران قدم بردارند و ضمن استفاده از امکانات جهانی در پیروی محض از هر الگوی اقتصادی جانب‌حزم و احتیاط را رعایت نمایند.

در مجموع پیش‌بینی دقیق زمان گشایش برای این کشورها امری بسیار مشکل می‌باشد، همان گونه که

۱. از دیگر نقطه نظرات خوشبینانه می‌توان به مقاله آقای «سکس» مندرج در مجله تایم مورخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۷ تحت عنوان "Asia's Miracle is Alive and Well" رجوع کرد.

برخی از رهبران کشورهای مزبور دستاوردهای اقتصادی چند دهه این منطقه را بر باد رفته ذکر نموده‌اند.

### ج- تبعات بحران

- ۱- کاهش رشد اقتصادی در اکثر کشورهای منطقه مسلم است و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کاهش‌ها بیشتر از آن چیزی است که تصور می‌شود.
- ۲- سقوط شدید ارزش پول این کشورها، فرصت‌های زیاد و تازه‌ای را برای سرمایه‌های خارجی در زمینه خرید دارایی‌های ثابت در این کشورها ایجاد کرده و خواهد کرد.
- ۳- جنگ‌های تجاری در بازارهای خارجی میان ساختارهای تقریباً مشابه اقتصادی به نحو روزافزون تشدید می‌گردد.
- ۴- استفاده از منابع سازمان‌های چندجانبه‌ای نظیر صندوق بین‌المللی پول از سوی اقتصادهای مزبور، محدودیت‌های تازه‌ای به جهان در حال توسعه تحمیل خواهد کرد.
- ۵- ضوابط بازی جدیدی برای تحرک وسیع سرمایه در بازارهای مالی جهان در حال تعریف شدن است. از این رو فرصت جلب و جذب سرمایه‌های خارجی برای کشورهایی که از ثبات اقتصادی و سیاسی بالاتری برخوردارند، رو به افزایش خواهد نهاد.
- ۶- تردیدهای ملی و فراملی در معنی دار بودن مسیرهای توسعه پیموده شده اجتناب‌ناپذیر است. واقعیت مزبور، افزایش میزان محافظه‌کاری سیاسی و سیاست‌گذاری اقتصادی و پیامدهای آن در کشورهای منطقه را به دنبال خواهد داشت.

### د- مالزی و بحران مالی

بحران مالی شرق آسیا حدود یک سال پیش هنگام شناور شدن واحد پول تایلند آغاز و سپس مالزی، اندونزی و برخی دیگر از کشورهای جنوب شرقی آسیا را دربرگرفت. بحران مزبور موجب کاهش ارزش پول رایج، رکود بازارهای بورس، تعطیلی کارخانه‌ها و افزایش بیکاری در این کشورها شده است. در این فاصله زمانی کوتاه مبلغ هنگفتی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار جابه‌جا شد و دلالتان و صاحبان سهام بزرگ ترجیح دادند که سرمایه‌های خود را از این بازارهای مالی ناامن خارج نموده و در بازارهای امن دیگری مانند بورس نیویورک سرمایه‌گذاری نمایند. مالزی که در ۱۰ سال گذشته از میانگین ۸ درصد رشد سالانه اقتصادی برخوردار بود پس از بحران ارزی در اواسط آذر ماه سال ۱۳۷۶ برآورد نرخ رشد اقتصادی خود را به ۴ درصد کاهش داد. دولت مالزی افزون بر این شماری از طرح‌های بزرگ زیربنایی خود را متوقف کرد و از هزینه‌های جاری خود کاست. این کشور مصمم است که کسری تراز حساب‌های جاری خود را کاهش دهد. تحلیلگران می‌گویند اگرچه مالزی در حد توان برای بیرون آمدن از این بحران تلاش کرده است ولی نبود حس اعتماد نزد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در منطقه شرق آسیا، هنوز از روند بهبود اقتصادی مالزی جلوگیری می‌کند. با آغاز موج بحران ارزی در منطقه آسیا بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی با خروج سرمایه‌های خود جو اعتماد بسیار بالای سرمایه‌گذاری در این منطقه را شکستند.<sup>۱</sup> در این میان

۱. از آغاز بحران اقتصادی در منطقه جنوب شرقی آسیا در تابستان گذشته تا کنون ۴۳۵ شرکت در مالزی اعلام ورشکستگی کرده‌اند. «تان چای هو» معاون وزیر مصرف و تجارت داخلی مالزی با اعلام این مطلب در پارلمان گفت: «بیشتر این شرکت‌ها قادر به بازپرداخت وام‌ها و دیون خود نیستند و عموماً بحران کاهش ارزش پول این کشور مشکلاتی برای این شرکت‌ها به وجود آورده است». وی افزود تعداد شرکت‌هایی که در ۲ ماه ژانویه و فوریه

حرکت صندوق بین‌المللی پول برای نجات اقتصاد ورشکسته جنوب شرقی آسیا نیز مشکلات تازه‌ای را در این بحران ایجاد کرد. تعهد این صندوق برای تأمین ۵۷ میلیارد دلار برای کره جنوبی، ۱۷ میلیارد دلار برای تایلند و ۴۰ میلیارد دلار برای اندونزی، این کشورها را با حس عدم اعتماد از سوی سرمایه‌گذاران خارجی مواجه ساخته است. تاکنون مالزی در برابر گرفتن هرگونه کمک از صندوق بین‌المللی پول اجتناب کرده است. کوالالامپور کراً اعلام کرده است که قصد ندارد برای رهایی از بحران ارزی خود - ناشی از بحران شرق آسیا - از صندوق بین‌المللی پول درخواست کمک نماید زیرا کمک‌های این صندوق را نه کافی و نه کارساز برای کشورهای بحران زده شرق آسیا ارزیابی می‌کند. «ماهاتیر محمد» نخست‌وزیر مالزی در این رابطه گفته است که کمک این صندوق در شرایط کنونی نه تنها حلال بحران نمی‌باشد بلکه مشکل آفرین نیز هست، از همین رو دولت مالزی کشورهای بحران‌زده را به همکاری منطقه‌ای برای حل این بحران فراخوانده است. براساس اعلام بانک مرکزی مالزی مجموع بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت این کشور تا پایان ۱۹۹۷ در حدود ۴۵ میلیارد دلار است که ۴۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را دربر می‌گیرد. همچنین دولت مالزی اعلام کرده است که برای خروج از این بحران ناچار است که سیاست صرفه‌جویی را در پیش گیرد. در این راستا وزیر دفاع این کشور در دیدار با وزیر دفاع امریکا اظهار داشت که کشورش در نظر دارد فقط از تجهیزات قبلی استفاده نماید و تنها در زمینه تعمیر و نگهداری هزینه مالی خواهد کرد. همچنین به اظهار مقامات مالزی با ادامه این بحران بیش از یک میلیون نفر از کارگران خارجی حاضر در این کشور کار خود را از دست خواهند داد. قبل از این بحران درآمد سرانه در مالزی ۵۰۰۰ دلار بود اما کاهش ارزش پول باعث شد که درآمد سرانه به ۳۰۰۰ دلار تنزل پیدا کند. به عبارت دیگر قدرت خرید برای هر نفر ۲۰۰۰ دلار کاهش یافته است و چون جمعیت مالزی ۲۰ میلیون نفر است بنابراین جمعاً ۴۰ میلیارد دلار از قدرت خرید کاسته شده است. سقوط بازار سرمایه را نیز باید به این رقم افزود که ظرف ۴ ماه گذشته به ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. بدین ترتیب ظرف مدت مذکور ۱۴۰ میلیارد دلار این کشور از دست داده است. این رقم برای مالزی رقم بسیار بالایی است و برآورد می‌شود که به لحاظ کاهش ارزش ۴۰ درصدی پول مالزی مردم آن مشکلاتی را در پیش رو خواهند داشت.

### فصل پنجم - روابط جمهوری اسلامی ایران با مالزی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مالزی ضمن شناسایی جمهوری اسلامی ایران، تمایل خود را نسبت به گسترش روابط دو جانبه اظهار داشت. ایران نیز علاوه بر تأسیس سفارت در مالزی با اعزام هیئت‌هایی به مالزی به تشریح تحولات جدید و مواضع جمهوری اسلامی ایران پرداخت. مالزی از جمله کشورهایی بود که در تحریم اقتصادی علیه ایران شرکت نکرد. این کشور از آغاز وقوع جنگ تحمیلی، اعلام بی‌طرفی نمود و تلاش خود را معطوف به میانجیگری میان دو کشور جهت خاتمه جنگ قرار داد. مالزی یکی از اعضای کمیته صلح سازمان کنفرانس اسلامی است و در آن زمان تلاش کرد تا برخورد متوازنی را با دو کشور درگیر در جنگ داشته باشد. در مجموع جو حاکم بر روابط و مناسبات دو کشور در صحنه بین‌المللی آکنده از تفاهم

سال جاری تأسیس شده‌اند به ترتیب ۱۱۸۰ و ۱۱۵۰ شرکت بوده در حالی که این رقم در ماه‌های مشابه سال قبل ۳۷۱۲ و ۲۱۰۴ مورد بوده است. معاون وزیر مصرف و تجارت داخلی مالزی گفت تعداد کل شرکت‌هایی که در سال ۱۹۹۷ میلادی در این کشور تأسیس شد به ۴۰۷۲۰ شرکت می‌رسد که ۲۵۱۷ مورد از سال ۱۹۹۶ کمتر است.

و همکاری متقابل است.

مالزی از ابتدای روابط با ایران خواستار برقراری مناسبات اقتصادی به ویژه در زمینه فروش اقلام صادراتی خود بود. اقلام عمده صادراتی مالزی به ایران عبارتند از: روغن نخل، قلع، کائوچو، لاستیک و الوار؛ اقلام صادراتی کشور مان به مالزی نیز عبارتند از: خشکبار، فرش، خاویار و محصولات دارویی. روابط تجاری میان دو کشور هنوز به سطح مطلوبی نرسیده است و ظرفیت نسبت به ساختار اقتصادی و عوامل فعال در تجارت خارجی و نیز اقلام صادراتی و بازارهای مصرفی یکدیگر به شناخت کاملی نرسیده‌اند. براساس توافق متقابل دو کشور، حجم سالانه روابط تجاری متقابل تا سقف ۳۰۰ میلیون دلار تعیین شده است اما براساس آخرین آمار موجود میزان صادرات و واردات دو کشور به قرار زیر است:

صادرات ایران به مالزی در سال ۱۳۷۵: ۹.۷۷۲.۳۹۸ دلار

صادرات مالزی به ایران در سال ۱۳۷۵: ۹۸.۳۵۶.۵۲۳ دلار

اما در زمینه‌های فرهنگی و جوه مشترک زیادی بین دو کشور وجود دارد. مهم‌ترین وجه مشترک، نفوذ اسلام در جامعه مالزی است که سبب قرابت بسیاری از فعالیت‌های مذهبی و سنن اجتماعی در دو کشور شده است. همچنین نفوذ تاریخی زبان و ادبیات فارسی در مالزی از دیگر عواملی است که زمینه مناسبی برای فعالیت‌های فرهنگی است. علاوه بر این امور موارد مشابه دیگری به لحاظ تاریخی و سیاسی بین دو کشور وجود دارد، که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: عضویت در جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی و تفاهم در مورد مسائل مربوط به جهان اسلام مانند فلسطین، افغانستان و ...

## پیشنهادها

در جهت بهینه نمودن مناسبات ایران و مالزی موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- تشکیل و تقویت گروه دوستی پارلمانی؛
- ۲- تأسیس خانه فرهنگ ایران در مالزی؛
- ۳- ارتباط با دانشگاه‌ها جهت ایجاد کرسی زبان فارسی؛
- ۴- راه‌اندازی گروه‌های سیاحتی - زیارتی؛
- ۵- ایجاد کمیسیون مشترک اقتصادی به منظور اولویت در استفاده از توان‌های بالقوه یکدیگر؛
- ۶- ایجاد ارتباط سازنده بین دولتمردان کشور از طریق اتخاذ مواضع هماهنگ در سیاست‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، مسائل فلسطین، افغانستان و ...؛
- ۷- همکاری بین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و نهاد تحقیقاتی مشابه در مجلس مالزی و ایجاد همکاری و مشارکت علمی بین دو نهاد که خود می‌تواند حرکتی مؤثر در تقویت گروه دوستی پارلمانی محسوب شود و محورهای تازه‌ای را برای همکاری دو کشور مورد مطالعه و جستجو قرار دهد.

الف - منابع فارسی

- ۱- بولتن بین الملل سازمان برنامه و بودجه، شماره ۱۶، مرداد سال ۱۳۷۶.
- ۲- بولتن مانی و اقتصادی بین المللی، بانک مرکزی، شماره ۶۰، سال ۱۳۷۷.
- ۳- تازه‌های اقتصادی، ماهنامه علمی، اقتصادی و بانکی، اردیبهشت سال ۱۳۷۷.
- ۴- کشورهای آسیای شرقی؛ قربانیان توطئه یا ساختارهای نامناسب اقتصادی، تدبیر، شماره ۸۰، بهمن سال ۱۳۷۶.
- ۵- «ریشه‌ها و چشم انداز بحران مالی در آسیای جنوب شرقی آسیا»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۳-۱۲۴، سال ۱۳۷۶.
- ۶- شاهنده، بهزاد. «چشم‌انداز منطقه شرق آسیا در سال ۱۹۹۸»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۳-۱۲۴، سال ۱۳۷۶.
- ۷- «دلایل بحران مالی آسیای جنوب شرقی»، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶/۱۱/۲۶.
- ۸- «بحران ارزی در جنوب شرقی آسیا»، وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۶.
- ۹- بحران مالی جنوب شرق آسیا و سیاست‌های اشتباه صندوق بین المللی پول، هرالد تریبیون، ۱۵ ژانویه سال ۱۹۹۸.
- ۱۰- «تلاش جدید «آسه.ان» برای مقابله با بحران مالی این منطقه»، وزارت امور خارجه ۱۳۷۶/۱۲/۹.
- ۱۱- سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۶.
- ۱۲- سالنامه آماری بازرگانی خارجی صادرات و واردات، وزارت بازرگانی، سال ۱۳۷۵.
- ۱۳- «نگاهی به برنامه توسعه تکنولوژی ملی در مالزی»، شورای پژوهش‌های علمی کشور، سال ۱۳۷۴.
- ۱۴- مالزی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۳۷۳.
- ۱۵- واحد مرکزی خبر، ۱۳۷۷/۲/۲.

ب - منابع انگلیسی

- 16- Malaysia's Economic Performance.
- 17- The Malaysian Economy: Recent Development and Future Policy Trends.
- 18- Industrial Development in Malaysia.
- 19- The Second Malaysia's Grand Plan, 1996-2000.
- 20- Persusahaan Otomobile National Company.
- 21- Malaysia International Shipping Corporation.